

یادداشت کارگری هفته

# يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُونَ !

امیرجوهری لنگرودی



سالی نو باز آمد، و «حضرت آقا» بخت و اقبال و رخت نو به تن جامعه نکرد که هیچ، از نو «اشتغال آفرینی» از جنس «تولید» - و لایذ تولید وطنی آفتابه و لگن - از قبیله «دانش بنیان» - و لایذ دانشی که در انحصار سپاهیان انقلاب اسلامی است - را بر زمین زد تا در تمام سال ۱۴۰۱ «اشتغال» آفرینان، از کار باز نمانند و هی تولید و تولید کنند و ما مجبور نباشیم، بیل و گرباز، جا نماز، مهر، چادرمشکی، انواع پارچه، لوازم التحریر، کیف و کفش، سوزن، میل بافندگی، انواع گوشی موبایل، انواع قطعات و لوازم جانبی موبایل و کامپیوتر، انواع قطعات ساختمانی و لوازم خانگی، لوازم جانبی اتومبیل، انواع وسایل روشنایی و لامپ، لباس مردانه و زنانه، کاغذ دیواری و موارد مشابه و بیشمار اقلام وارداتی را در پی انعقاد قرارداد ۲۵ ساله از چین - علیرغم اینکه تاکنون ابعاد این میثاق ۲۵ ساله برای افکار عمومی جامعه روشن نشده است - و ماچین به سه روش هوایی، دریایی و زمینی، از گمرک‌های مهم زیر، به عنوان کالاهای حلال وارد کشور اسلامی‌مان کنیم.

۱- بندر امام خمینی ۲- منطقه آزاد تجاری چابهار ۳- منطقه ویژه بوشهر ۴- غرب تهران ۵- گمرک منطقه ویژه شهید رجایی ۶- فرودگاه امام خمینی ۷- منطقه ویژه اقتصادی بم و دهها منطقه آزاد و ویژه که علاوه بر صدها اسکله غیر مجاز و نامشخص سپاه مشغول واردات کالا هستند؛ می‌گویند: امروز چین ۴۵٪ کشتی‌های جهان، ۵۰٪ ذغال‌سنگ، ۶۰٪ سیمان، ۷۰٪ تلفن همراه، ۸۰٪ دستگاه تهویه مطبوع و ۸۰٪ لامپ کم‌مصرف و... را می‌سازد و صادر می‌کند و دولت ما - به عنوان بزرگترین کارفرما - و کارفرمایان و تجار بخش خصوصی هم در این میان از همان‌ها به کشور وارد می‌کنند. باید گفت: خامنه‌ای همواره تلاش دارد که لاطائلاتی را به نام پیام نوروزی با نامگذاری مبذل و بی معنی، تحویل مردم دهد و دیگر هیچ! خامنه‌ای در پیام آغاز سال ۱۴۰۱ سال جدید را سال «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین» نام گذاری کرد. (۱)

خامنه ای در صحبت های آغاز امسال همه مسائل اقتصادی را حل کرد. اگر اقتصاد بر پایه تولید دانش بنیان قرار گیرد، همه مشکلات کشاورزان، از قبیل بی آبی و بهره وری کم، حل خواهد شد. کشاورزی دانش بنیان یعنی کشاورزی مکانیزه در مقیاس بزرگ و ربطی به کشاورزان کوچک ندارد. کشاورزان با افزایش کشاورزی مکانیزه، فقیرتر و بدبخت تر خواهند شد. یک مشت دزد در رأس شرکت های بزرگ مکانیزه قرار می گیرند و با کمک سپاه و بسیج و مأموران اطلاعات، با تکیه بر شعار رهبر الدنگ که تولید را باید افزایش دهیم، کارگران را سرکوب می کنند. همانطور که یکشنبه های اعتراضی کشاورزان اصفهانی را در سال گذشته با ساچمه ها و سرب داغ پاسخ دادند.

مثل همه دیکتاتورها به جای «من» می گوید: «ما»! «ما این سال را به سال دانش بنیان مزین می کنیم.» (از صحبت های خامنه ای به مناسبت روز اول سال). این سال، سال فشار مضاعف بر طبقه کارگر و بدبخت تر شدن کشاورزان فقیر خواهد بود. افزایش تولید و استفاده از اقتصاد دانش بنیان زمانی برای کارگران مفید خواهد بود که با نظارت خود آنها و قطع دست انگل های واسطه و کارفرما همراه باشد. خامنه ای در سخنرانی خود هیچ اشاره ای به این همه فساد و دزدی در دستگاه های مختلف کشور که ذاتی نظام اسلامی است بر زبان نرانده است.

چه نیک گفته اند: "سالی که نکوست از بهارش پیداست." این نامگذاری های متواتر سالیانه خامنه ای هیچ دردی از تخریب تولید داخل کشور طی این سال ها دوا نکرده، در اساس نه تنها مشکلی را حل نکرده بلکه ابزاری است برای دکانداران دینی که از فردا با راه انداختن همایش ها و داد و بیداد در نماز های جمعه، از این رسانه به آن رسانه، چند صبحی میدان داری کنند و در هر دکان دو نبشی در منقبت «تولید»، «اشتغال آفرینی» و «دانش بنیانی»، از چرخه ورشکسته تولید کشور، سخن برانند.

خامنه ای با نامگذاری نوروژی هر سال، خط فعالیت و اهداف آن سال را، به زعم خود، برای کارگزاران دولت و بخش خصوصی و مافیای سرمایه داران نظام مشخص می کند؛ به عنوان مثال سال ۱۳۹۶ با شعار: «اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال» و سال ۱۳۹۷ را با عنوان «حمایت از کالای ایرانی» خواند. سال ۱۳۹۸ را نیز سال «رونق اقتصادی» نامید و سال ۱۳۹۹ را «جهش تولید» نام نهاد!

در سال «جهش تولید» سال ۹۹ جامعه ما از دو سو، به بهانه تحریم ایالات متحده آمریکا و پایان طلسم برجام توسط ترامپ از یک سو، و از سوی دیگر با شیوع کرونا و گسترش کوید ۱۹ بر تمامیت جامعه، با تعطیلی کارگاه های تولیدی و ورشکستگی صنایع تولیدی، محدودیت خرید و فروش درون متروها، پهن نشدن بساط دست فروشان و دعوت آنان به خانه نشینی، بدون در نظر گرفتن کمترین پرداختی برای گذران زندگی آنان توسط دولت، با افزایش بیکاری و بازماندن چرخه تولید مواجه بود که پیشروی سیاست «جهش تولید» را ناکام گذاشت و تمام سال با سطوح درهم تنیده فقر، تورم نقطه به نقطه، گسترش اختلاس، قاچاق و ناکامی در بهبود وضعیت پرستاران و همچنین بهیاران، چه در مقطع کرونا و چه در دوران فروکش کردن کرونا با گسترش بیکاری پرستاران و بلا تکلیفی وضعیت امنیت شغلی آنان - که از استخدام محروم ماندند و به خواسته های شان پاسخ داده نشد، مواجه شدیم - برخی از آنان مجبور به مهاجرت شدند. عدم توجه به خواسته های معلمان شاغل و آموزشیاران نهضت سواد آموزی، معلمان قراردادی و غیر رسمی و غیر استخدامی، مربیان پیش دبستانی، نیروهای رسمی معلمان، نیروهای موظف و غیر موظف، معلمان حق التدریسی، معلمان خرید خدمت، معلمان شاغل حق التدریس، سرباز معلمان، مدرسین طرح امین، مدرسین قرآن، معلمان بازنشسته حق التدریسی، پاره وقت از یک سو و بی توجهی به مطالبات کارگران فولاد، هیکو، آذراب، هفت تپه، شرکت واحد، معادن، پتروشیمی و گاز و نفت و بلا تکلیفی وضعیت بازنشستگان، بی پایگی چرخه سیاست خصوصی سازی که منتهی به اعتراضات وسیع و گسترده کارگران نیشکر هفت تپه و دیگر صنایع شد... سویه دیگر این فشار بود که پیمانکاران با رانت خواری فزاینده ماه ها و ماه ها وای بسا در تمام طول سال با نادیده گرفتن تعهدات خود در قبال کارگران مانند پرداخت

نکردن حقوق معوقه رفتگران و کارگران بخش خدمات شهرداری که به دروغ به آن‌ها «پاک بان» می‌گویند، و نادیده گرفتن تضمین امنیت شغلی آنان در شرایط دشوار کرونایی، اعتراضات کارگران صنایع پتروشیمی و نفت و گاز در برابر همین مهره چینی سرداران بازنشسته سپاهی و آقازاده‌ها که در هیکل وجودی پیمانکاران ظاهر می‌شوند؛ همه آنان مضحکه شعار «جهش تولید» را به هیچ گرفتند و تمام سال ۹۹ امر گسترش جهش به فرموده حضرت آقا، افزایش تولید، مالید و سوخت و دود شد و دست عوامل سرکوب نیروهای امنیتی برای رودرویی با زنان سرپرست خانواده، پرستاران و بهیاران، کارگران، معلمان، بازنشستگان، کولبران و سوختبران باز گذاشته شد که در روزشمار جنبش کارگری سال ۹۹ همه ابعاد آن آمده است!

بعد که به سال ۱۴۰۰ ورود کردیم، با همه نامگذاری بی بو و خاصیت و تلخ کامی‌های سال‌های پیش، خامنه‌ای باز هم سال جدید را با شعار «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع زدایی‌ها» نامگذاری کرد.

همه این نامگذاری‌ها جهش در تاریکی است تا از قافله عقب نمانند و دم از پشتیبانی از تولید و مانع زدایی از آن بزنند، لابد باز هم در جهت تعالی اقتصاد مقاومتی که تحمیل سیاست‌های ریاضت اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است، همچنان به عنوان یک شعار برای سال جدید نیز تحت تعقیب حضرتش قرار گیرد.

به طوری که خامنه‌ای در همین پیام امسال باز یادآور شد: «ما در سال‌های گذشته هر سال یک عنوانی را با نام شعار سال مطرح کردیم برای اینکه مسئولین، عمدتاً قوه مجریه و درحاشیه آن، قوه مقننه و قوه قضائیه و همچنین آحاد مردم - آن جایی که به مردم ارتباط مستقیم پیدا می‌کند - در این جهت حرکت بکنند. در بعضی از سال‌ها توفیقات خوبی هم در این زمینه به دست آمده. بعضی جاها هم البته در بعضی سالها کم‌کاری‌هایی وجود داشته که در سال ۱۴۰۰ ما مسئله‌ی تولید، مانع‌زدایی‌ها و پشتیبانی‌ها را مطرح کردیم. کارهای خوبی هم نسبتاً انجام گرفته که باز هم ادامه دارد و بایستی ادامه پیدا کند. بنابراین امسال ما شعارمان باز تأکید روی تولید است... البته من درخواست مؤکد دارم، سال گذشته هم این را گفتیم که اکتفا نکنند دوستان به اینکه حالا روی کاغذهای سربرگ‌های دستگاه‌های گوناگون بنویسند این عبارت را یا مثلاً فرض کنید که یک تابلو درست کنند در خیابان مثلاً بزنند؛ اینها کار نیست.» (منبع پیشین)

خوب ببینیم که سال ۱۴۰۰ در پهنه عمومی جامعه چه اتفاق افتاد؟ سال پشت سر گذاشته، سال بن بست تمام عیار نظام بود. حاکمیت تلاش کرد کل آپارات نظام (دولت- مجلس- قوه قضائیه) را یکدست کند. علیرغم اینکه مردم انتخابات را تحریم گسترده کردند، ابراهیم رئیسی - قاضی مرگ و از سرجنابان کشتار دهه شصت و تابستان خونین ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت - را با کمترین آرای مأخوذه منصوب کردند و الان با بازگرداندن دگرباره برجام دارند دست و پا می‌زنند. پیکره هدایت گری مجلس اسلامی را به دست باقر قالیباف - قاتل فرزندان مردم در کوی دانشگاه و از سران دزدان و زمین خواران شهرداری کلان شهر تهران - سپردند و دستگاه قضایی را به قصابی با مشخصه محسنی اژه‌ای واگذار کردند و اقتصاد کشوری که تورم انفجاری طی چند سال متوالی به مرز پنجاه درصد (۵۰٪) می‌رسد، قدرت خرید مردم را به صفر کاهش داده و بی خانمانی و بی مسکنی را بر مردم تحمیل کردند و حاشیه نشینی را وسعت دادند. میزان حاشیه نشینی در کشور به ۴۵ درصد رسیده است. اگر این ۴۵ درصد را نسبت به جمعیت ۸۵ میلیون نفری ایران حساب کنیم، امروز بیش از ۳۸ میلیون نفر حاشیه نشین و بدمسکن هستند که نشان می‌دهد میزان حاشیه نشینی در کشور به دلیل سیاستهای غلط و مشکلات اقتصادی افزایش معناداری داشته است، در همین رابطه حاشیه شهر تهران بیش از پنج میلیون نفر زندگی می‌کنند. ۴۰ درصد جمعیت مشهد و نیمی از جمعیت بندرعباس نیز حاشیه‌نشین به شمار می‌روند. این همه نارضایتی را در سطح عمومی جامعه تشدید کرده و در همه ابعاد

جامعه با ضریب انفجاری روبرو هستیم، بیش از پیش به آتش به اختیاران سپاه سپردند تا غارت را تشدید کند.

خامنه‌ای در پیام امسال، در مقابل رشد فزاینده آنچه در پهنه جامعه ما دیده می‌شود، که مردم از هر سو، کل نظام را نشانه گرفته‌اند، پیش‌دستی می‌کند و می‌گوید: «تلخی‌هایی هم داشتیم، که از بین همه‌ی تلخی‌ها، آنی را که از همه به نظر من سخت‌تر و مهم‌تر است عرض می‌کنم و آن تنگی معیشت مردم، مسئله‌ی گرانیها و تورم و این چیزها بود که خب باید حتماً علاج بشود. [اینها] چیزهای علاج‌پذیری است، مشکلات اقتصادی است که ما امسال امیدواریم بخشی از اینها برطرف بشود، چون همه‌ی اینها دفعه‌تاً برطرف نمی‌شود، به تدریج برطرف خواهد شد. این که آدم عجله کند، بگوید نه‌خیر، به همین زودی، واقع‌بینانه نیست. لکن ان‌شاءالله امیدواریم بعضی از اینها در طول ۱۴۰۱ که سال اول قرن هم هست - قرن پانزدهم هجری شمسی - ان‌شاءالله برطرف بشود» (ماخذپیشین).

از زبان مادران سیه پوش دادخواه باز و بارها این شعر شاملو را می‌آورم:

... باش تا نفرین دوزخ از تو چه سازد،

که مادران سیاه‌پوش

- داغداران زیباترین فرزندان آفتاب و باد -

هنوز از سجاده‌ها

سر بر نگرفته‌اند!

مادران داغدار و دادخواه که در پی هر نماز، ترجیع بند **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**، آقا را سر می‌دهند و مردم زحمتکش در مصاف نابرابر شهری با شعار: «مرگ پرخامنه‌ای» نابودی‌اش را مطالبه دارند. یعنی اینکه مردم منتظرند حلوای آقا را بپزند. حضرت آقا در خلوت بست نشینی خویش، رفع «بعضی از تلخی‌های سال» را به قرن جدید حواله می‌دهد!

اگر واقع بینانه نظر افکنیم، شعار «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع زدایی‌ها» در جوهره سال ۱۴۰۰ را می‌توان بدون کمترین اغماض به عنوان سال مرگ - چه از قبل کرونا و ممنوعیت فرمان خامنه‌ای برای ورود به موقع واکسن‌ها و پس از آن - سال اعدام‌های پی در پی، قتل‌های بی حساب، احضارها، بازداشت‌ها، زندان و تبعید، فقر، بیکاری فراگیر، بیماری و کمبود دارو، افزایش تورم و گرانی، برچیدن و تهاجم به کسب و کار زنان فروشنده در متروها و حمله به بساط دستفروشان، فساد فراگیر حاکمیت، دروغ و نیرنگ حاکمان، دخالتگری در جنگ‌های نیابتی، مشارکت با تروریست‌های منطقه و هرچه از بدی و زشتی و ناسپاسی علیه مردم جامعه ما که می‌توان تصور کرد، در خاطره تلخ سیاهه تباه نظام در تمامیت یکسال گذشته دید؛ قطار زندگی مردم لنگ لنگان به سال ۱۴۰۱ ورود می‌کند!

اما از حق نباید گذشت. در کنار همه پلشتی‌های بی پایان حکومت در سال ۱۴۰۰ همچنان شعله زیبایی‌ها نیز در گوشه و کنار جامعه ما زبانه می‌کشید و رقص شعله‌ور مبارزه و پیکار و کار دم به دم زحمتکشان در شعار: «تنها کف خیابون، به دست میاد حق‌مون» تجلی بخش بود. بی هیچ اغراقی، روزی نبود که شاهد حرکت اعتراضی اردوی رنج و کار جامعه در خیابان‌ها، برابر مجلس اسلامی، ریاست جمهوری، سازمان برنامه، وزارت کار، آموزش و پرورش، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و شهرداری‌ها در پیکره جنبش مطالباتی زحمتکشان در چهار گوشه جغرافیای ایران نباشیم. زیبایی اتحاد عمل معلمان، بازنشستگان و کارگران. جانفشانی کادر بهداشت و درمان برای نجات مردم از بیماری مهلک کرونا، گسترش دوستی‌ها و همدلی‌ها برای حل مشکلات روزمره مردم در کشاکش مرگ نابهنگام شجریان و تجلی اراده مردم در برابر حاکمیت آزادی ستیز که به عمد بکتاش آبتین را در دی ماه در زندان به قتل رساند و اعتصاب گسترده زندانیان سیاسی، در اعتراض به قتل بکتاش آبتین، شاعر، فیلمساز و عضو کانون نویسندگان ایران، نشانه‌های بایسته همبستگی جنبش آزادیخواهی

مردم را در کنار آزادی معلمان زندانی و آزادی زنان زندانی زینب جلالیان و سپیده قلیان به نمایش گذاشته شد.

در این میان، بی‌سیاستی و بی‌برنامگی حکومت در امر تولید و کار آفرینی، وابستگی ما به واردات را بیشتر ساخت. کارگران ایرانی را تنها فدای سیاست‌هایی می‌سازند که به طور مستقیم و غیر مستقیم در حال حمایت از کارگران چینی و رونق اقتصادی این کشور است و گویا گوش شنوایی برای شنیدن دردهای کارگران ایرانی و جویندگان کار و خانواده‌ی میلیونی این افراد توسط حاکمیت وجود ندارد و برای کارگران راهی جز استمرار مبارزه برای وصول مطالبات خود و گره خوردن به هم و تقویت تسمه‌ی ارتباطات و همگرایی‌های بیشتر و وسیع‌تر باقی نمی‌ماند.

امروز و در دل مبارزات جاری، همه‌ی نیروهای مطالبه‌گر در پیکارهای اجتماعی و تعمیق مبارزه مطالباتی خویش دریافته‌اند که هیچ نیرویی به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی نیازها و نیازمندی‌های خود در صحنه‌ی پیکار اجتماعی در برابر نیروی سرمایه داخلی و متحدان جهانی سرمایه داری در ایران تلقی گردد.

اتحاد مبارزاتی بخش‌های گوناگون کارگران در سطوح در هم تنیده‌ی بخش‌ها و لایه‌های گوناگون زنان و مردان کارگر، بخش‌های (خدمات، واحد‌های تولیدی، صنایع بزرگ) در تجمعات اعتراضی چهارماهه‌ی پایان سال معلمان شاغل و بازنشستگان فرهنگیان سراسر کشور - با دامنه‌ی اعتراضات میدانی در بیش از سیصد منطقه‌ی شهری و روستایی - نشان داد که احضار و دستگیری و تهدیدات نتوانسته است تاثیر تعیین‌کننده‌ای در کثرت مشارکت عموم فرهنگیان ایجاد کند. تجمع اسفندماه، نظیر آنچه در لرستان و خوزستان، یا در شمال (شهرستان رودسر) و... دیده شد، سندی از پیش‌روی معلمان و ناکامی دستگاه‌های سرکوبگر اطلاعاتی و امنیتی در «جمع کردن» اعتراضات است و نشان می‌دهد که به شرط وجود سازماندهی مستقل، پیگیر و متکی به بدنه‌ی اعتراضی و همچنین حرکت بر بستر همگرایی وسیع‌تر، کار سرکوبگران برای سرکوب جنبش مطالباتی، دشوارتر و ناممکن می‌شود. حضور چشمگیر بازنشستگان زن و مرد در گروه‌بندی‌های تامین اجتماعی و بازنشستگان کشوری و لشکری و...، پرستاران، بهیاران و دانشجویان، کارگران کشاورزی و فعالان محیط زیست و توده‌ی بی‌شکل دستفروشان، همه‌ی لایه‌های زحمتکشان و همسرنوشتان آنان - نیروی میلیونی بیکاران امروز با شعار «بازگشت به کار» می‌توانند در همصدایی و گسترش همگرایی، همبستگی و همپوشانی گسترده، یک بلوک مستقل کاری برآمده از اکثریت عظیم مردم برای اکثریت عظیم مردم و در خدمت آن را شکل داده تا با هجوم گسترده‌ی سرمایه‌داری حاکم به حق حیات فرودستان و زحمتکشان برابر دخالت‌های امپریالیستی در جمیع جهات مقابله کند. این همه را چشمه‌ی فزاینده‌ی اول ماه مه، روز جهانی کارگر ۱۴۰۱ که در پیش است، نویدبخش است تا شاهد گسترده‌ترین همگرایی‌ها باشیم، چنین باد.

(۱) خبرگزاری کار ایران - ایلنا - پیام نوروزی خامنه‌ای - ۱۴۰۰/۱۲/۲۹

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1210624>